

کتاب دانیال - شماره هفتاد و پنج

تشابهات نبوی: از پیام اشعیا تا مکاشفات روزگار ما

Jeff Pippenger

2024-02-08

چنان که اشعیا پیام ممتل در شصت و پنج سال را (فصل هفت، آیه هشت) به پیشوای شریر اورشلیم عرضه می‌کند، این کار را در کنار «مزرعه رخت‌شوی» و «انت‌های مجرای حوض بالایی» و در سال 742 پیش از میلاد انجام می‌دهد. سال 742 پیش از میلاد نمایانگر 1863 است، زیرا عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد. سپس، طغیان 1863 به نوبه خود نمایانگر قانون یکشنبه در ایالات متحده است، زیرا عیسی همواره پایان یک چیز را با آغاز آن چیز به تصویر می‌کشد. سال 1863 آغاز کلیسای ادونتیسست لائودیکیه‌ای ثبت‌شده قانونی بود، و آن کلیسا در «زلزله عظیم» قانون یکشنبه ویران و متروک گذاشته می‌شود. چگونه ممکن است یک مؤسسه حقوقی که به‌طور قانونی تحت حاکمیت دولت است (نه برعکس، یعنی کلیسا حاکم بر دولت باشد)، در زمانی که همان دولت پرستش در روز هفتم را به‌طور قانونی منع می‌کند، همچنان به پاسداری از سبت روز هفتم ادامه دهد؟

در آغاز و پایان خدمت مسیح، او هیکل را تطهیر کرد. در نخستین تطهیر هیکل، مسیح اعلام کرد که رهبران، «خانه پدرش» را به مغاره دزدان بدل کرده‌اند؛ اما در آخرین تطهیر هیکل، او اعلام نمود که «خانه ایشان» برایشان ویران و متروک گذاشته شده است. اسرائیل باستان، نمونه اسرائیل جدید است. او در آغاز ادونتیسسم، هیکل میلری را برپا کرد و تطهیر نمود؛ اما در تطهیر نهایی، یعنی تطهیر یک‌صد و چهل و چهار هزار تن، ادونتیسسم لائودیکیه از دهان او بیرون افکنده می‌شود، و آنگاه «خانه ایشان» متروک گذاشته می‌شود.

اشعیا هنگامی که با پادشاه آحاز روبه‌رو می‌شود، نزد مزرعه رخت‌شویان است. مزرعه رخت‌شویان نمایانگر تطهیری است که به‌وسیله رسول عهد، که ناگهان به هیکل خود می‌آید و پسران لاوی را همچون با «صابون رخت‌شویان» پاک می‌سازد، انجام می‌پذیرد. این تطهیر در آغاز ادونتیسسم به انجام رسید، و در پایان نیز بار دیگر به انجام می‌رسد.

Вот, Я посылаю Ангела Моего, и он приготовит путь предо Мною; и внезапно придет в храм Свой Господь, Которого вы ищете, и Ангел завета, Которого вы желаете: вот, Он идет, говорит Господь Саваоф. Но кто выдержит день пришествия Его, и кто устоит, когда Он явится? Ибо Он — как огонь расплавляющий и как щелок очищающих; и сядет переплавлять и очищать серебро, и очистит сынов Левия, и переплавит их, как золото и как серебро, чтобы они приносили Господу жертву в праведности. Тогда благоугодна будет Господу жертва Иуды и Иерусалима, как во дни древние и как в лета прежние.
ملاخیا 3:1-4

עשי'אִתִּירָאשָׁה "בְּשֵׁי רָאָשׁ" מִימִיָּה תִּירְחָאב יכ למסמ ומש רשא, ונב תוא סע, זחא תא שגופ ו רהיט לש הירוטסיהה ךלהמב זחא עשרה ךלמה סע שגפנ והיעשי "מִיבִשׁ" רשא הלא איה תויצ־יא ידי לע מויס ידיל האבוהו, 1844 תנשב תיטירלימה הירוטסיהב הלחה רשא, שדקמה תעבראו מיעבראו האמה תמיתח לש הירוטסיהה אוה הז רהיט מִימִיָּה תִּירְחָאב. 1863 תנשב 1844, תובקעב האבש מיהולא לש תחתופה ותחגשה רחא מיכלוה ויה מיטירלימה וליא. ףלאה הכאלמה תא מימילשמ ויה

»اگر ادونتیسٹ ہا، پس از نومیدی بزرگ سال ۱۸۴۴، بر ایمان خود استوار می ماندند و در تدبیر آشکارشونده خدا به گونه ای متحد پیش می رفتند، پیام فرشته سوم را می پذیرفتند و آن را در قدرت روح القدس به جهان اعلام می کردند، نجات خدا را می دیدند؛ خداوند با کوشش های ایشان به طرزی عظیم عمل می کرد، کار به انجام می رسید، و مسیح تا کنون آمده بود تا قوم خود را برای پاداششان بپذیرد. اما در دوره شک و نابسامانی ای که پس از آن نومیدی فرا رسید، بسیاری از ایمانداران ادونتیسٹ ایمان خود را وا گذاشتند.... بدین سان کار به تأخیر افتاد، و جهان در تاریکی باقی ماند. اگر تمامی پیکر ادونتیسٹ بر احکام خدا و ایمان عیسی متحد شده بود، تاریخ ما تا چه اندازه به گونه ای دیگر می بود!« Evangelism, 695.

ناکامی در «پیگیری متحده در امتداد عنایت گشاینده خدا»، آنان را تا سال ۱۸۵۶ به وضعیتی لائودیکه ای کشانید، و شورش متعاقب سال ۱۸۶۳ آغاز سرگردانی در بیابان را رقم زد؛ همان سرگردانی ای که پیش تر به وسیله اسرائیل باستان به تصویر کشیده شده بود، آنگاه که در دهمین و آخرین آزمون خود ناکام ماندند و سپس محکوم شدند که در طی چهل سال بعدی در بیابان بمیرند.

پسر اشعیا این وعده را عرضه می دارد که در تطهیر نهایی هیکل در ایام آخر، «باقی مانده ای باز خواهند گشت.» این «بازگشت» به وسیله آرمیا به تصویر کشیده می شود؛ آن گاه که به او وعده داده شد که اگر «بازگردد»، دیده بان خدا خواهد شد. آن یکصد و چهل و چهار هزار تن کسانی اند که از یک نومیدی بازگشته اند.

کسانی که از صد و چهل و چهار هزار نفرند، نومیدی ای را تجربه کرده اند و در انتظار سرور خویش مانده اند. آنان در تاریخ میلری با باکره های خردمند ممثل شده اند، و در هر دو تاریخ آغاز و پایان، در هنگام فرو ریختن روح القدس در زمان فریاد نیمه شب، دو چوب به یک امت پیوسته می شوند.

شریر بادشاه آحاز یهودا کی اُس قیادت کی نمائندگی کرتا ہے جو پیغام کو سن چکی ہوگی، لیکن جو یسعیاہ کے پیش کردہ پیغام کو رد کر دیتی ہے، اور ایسا کرتے ہوئے وہ ”ٹھوکر کھائیں، اور گریں، اور ٹکڑے ٹکڑے ہوں، اور پھندے میں پھنسیں، اور گرفتار کیے جائیں۔“ وہی ہیں جو ”اپنے لیے جنات کے آشنا رکھنے والوں اور اُن جادوگروں کے پاس جاتے ہیں جو پپیاتی اور بڑبڑاتی آوازیں نکالتے ہیں،“ اور یہ اُس روحانیت کے تجربہ کی نمائندگی کرتا ہے جس کے آگے وہ جھک جاتے ہیں جب وہ 2 تھسلنیکوں کی سخت گمراہی کو قبول کرتے ہیں۔ 742 قبل مسیح میں یسعیاہ کے پیغام کو آحاز کا رد کرنا، 1863 کے ساتھ مطابقت رکھتا ہے، جب ملر کے پیغام کو رد کیا گیا تھا۔ یسعیاہ، ملر کی مثالی نمائندگی کرتا ہے، اور یسعیاہ اور ملر دونوں کا پیغام ”سات زمانوں“ پر مبنی تھا، جن کا نقطہ ارتکاز یسعیاہ کے باب سات کی آیت آٹھ میں پایا جاتا ہے۔ ملر کا بیٹا (یسعیاہ کا بیٹا) اُس ایلہابی تحریک کی نمائندگی کرتا ہے جو آخری ایام میں آتی ہے۔

اعلام داوری بر آحاز به سبب ردّ او، این پیشگویی را نیز در بر داشت که به دست پادشاه شمال مغلوب خواهد شد؛ کسی که در ایام آخر، اتحاد سه جانبه روم نوین است که تحت حاکمیت پاپیت قرار دارد.

خداوند بار دیگر با من سخن گفت و فرمود: «از آن جا که این قوم آب های شیلوح را که به نرمی روان است رد می کنند، و به رصین و پسر رمّلیا شادمان می شوند؛ پس اینک خداوند آب های نهر را، نیرومند و بسیار، یعنی پادشاه آشور و تمامی جلال او را، بر ایشان خواهد آورد؛ و او بر تمامی مجاری خود بالا خواهد آمد و از همه کرانه های خود خواهد گذشت. و از یهودا عبور خواهد کرد؛ طغیان کرده، خواهد گذشت، تا به گردن خواهد رسید؛ و گستردگی بال های او سراسر پهنای سرزمین تو را پر خواهد ساخت، ای عمانوئیل.» اشعیا ۸:۵-۸

اشعیاہ نبی نے شریر بادشاہ احز سے اوپری حوض کی نہر کے آخر پر ملاقات کی، اور اگرچہ کتاب مقدس کے مؤرخین اور ماہرین آثار قدیمہ کے درمیان اس بارے میں عدم یقین پایا جاتا ہے کہ آیا اوپری

حوض وهی حوض تھا جو مسیح کے زمانہ میں حوض سلوام کہلاتا تھا یا نہیں، تاہم اشعیاہ کی نبوت کا سیاق پر شبہ کو دور کر دیتا ہے، کیونکہ اشعیاہ واضح کرتا ہے کہ شمال کا بادشاہ احز پر چڑھ اُٹے گا، اس لیے کہ اُس نے شلوخ کے اُن پانیوں کو رد کر دیا تھا جو نرمی سے بہتے ہیں۔ ”شلوخ“ عہد عتیق میں وہی نام ہے جو عہد جدید میں ”سلوام“ کے لیے استعمال ہوا ہے۔

عیسیٰ آن مرد نابینا را در برکۂ سیلوآم شفا داد، و پادشاہ شریر، آحاز، نمایندۂ رہبری نابینای لائودیکہ است، ہم در سال 1863 و ہم در قانون یکشنبہ ای کہ بہ زودی خواہد آمد؛ کسانی کہ از شفا یافتن سر باز می زنند. «شلوخ» و «سیلوآم» ہر دو بہ معنی «فرستادہ» ہستند، و پیامی از سوی پدر بہ پسر فرستادہ شد، و او نیز اُن را بہ جبرئیل و فرشتگان مقدس سپرد تا بہ اشعیا ابلاغ کنند؛ همان کسی کہ پیام «فرستادہ شدہ» از آسمان را بہ رہبری نابینای لائودیکہ رسانید.

مجرا از حوض بالایی، جایی کہ اشعیا پیام را ارائه کرد، نمایانگر مکانی است کہ در آن باران روح القدس بہ قوم خدا منتقل می شود؛ چنان کہ لولہ های زرین رؤیای زکریا، یا نردبان خواب یعقوب نیز ہمین را نشان می دهند.

«آنچه خدا برای ما مہیا کردہ است، در زکریا، باب های ۳ و ۴، و ۱۲:۴-۱۴، چنین بہ تصویر کشیدہ شدہ است: ”و بار دیگر پاسخ دادم و بہ او گفتم: این دو شاخہ زیتون کہ از طریق اُن دو لولہ زرین، روغن طلایی را از خود بیرون می ریزند، چیستند؟ و او در پاسخ بہ من گفت: آیا نمی دانی کہ اینہا چیستند؟ و من گفتم: نہ، سرورم. آنگاہ گفت: اینہا اُن دو مسح شدہ اند کہ در حضور خداوند تمامی زمین ایستادہ اند.“»

«خداوند سرشار از امکانات است. او هیچ کمبودی در وسایل ندارد. این بہ سبب کمبود ایمان ما، نیازدگی ما، سخنان سست ما، و بی ایمانی ماست کہ در گفتارمان ظاہر می شود، کہ سایہ های تاریک بر گرد ما فراہم می آیند. مسیح در کلام یا منش چونان اُن یگانہ سراپا دل انگیز و برترین در میان دہ ہزار، آشکار نمی گردد. ہنگامی کہ جان خرسند است کہ خود را بہ بطالت برافرازد، روح خداوند برای اُن اندک می تواند کرد. دید کوتہ بین ما سایہ را می بیند، اما جلال اُن سوتر را نمی تواند دید. فرشتگان چہار باد را نگاہ داشتہ اند، کہ بہ اسبی خشمگین تشبیہ شدہ است کہ می کوشد خود را برہاند و بر سراسر روی زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را حمل کند.»

«آیا بر همان آستانہٗ جہان جاودانی بہ خواب خواہیم رفت؟ آیا کُند و سرد و مردہ خواہیم بود؟ آہ، کاش در کلیسای ما روح و نفّس خدا در قوم او دمیدہ شود، تا ایشان بر پای های خود بایستند و زندہ گردند. ما نیاز داریم ببینیم کہ راہ تنگ است و دروازہ باریک. اما چون از اُن دروازہٗ تنگ عبور کنیم، فراخی اُن بی حد و حصر است.» Manuscript Releases، جلد 20، 216، 217.

«روغن طلایی»، همان پیام های روح خداست کہ از حوض بالایی، از طریق مجرای کہ همان دو لولہٗ طلایی است، فرو می آید؛ و اُن دو لولہٗ طلایی، همان دو شاہد کتاب مقدس و روح نبوت اند، یا عہد عتیق و عہد جدید، یا شریعت و انبیا، یا موسی و ایلیا.

«آن مسح شدگانی کہ نزد خداوند تمامی زمین ایستادہ اند، همان مقامی را دارند کہ زمانی بہ شیطان بہ عنوان کروی سایہ گستر دادہ شدہ بود. خداوند بہ واسطہٗ موجودات مقدسی کہ پیرامون تخت او ہستند، ارتباطی پیوستہ با ساکنان زمین برقرار می دارد. روغن زرین نمایانگر اُن فیضی است کہ خدا بہ وسیلہٗ اُن چراغ های ایمانداران را پیوستہ فراہم می سازد تا سوسو زنند و خاموش نگردند. اگر این روغن مقدس در پیام های روح خدا از آسمان فرو ریختہ نمی شد، عوامل شر بہ طور کامل بر انسان ہا تسلط می یافتند.»

«خداوند آنگاہ بی حرمت می گردد کہ ما پیام هایی را کہ او برای ما می فرستد، نپذیریم. بدین سان، ما اُن روغن طلایی را کہ او می خواہد در جان های ما بریزد تا بہ آنان کہ در تاریکی اند رسانیدہ

شود، رد می‌کنیم. هنگامی که ندا دررسد: "اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید"، آنان که روغن مقدس را دریافت نکرده‌اند و فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند یافت که برای ملاقات با سرور خویش آماده نیستند. آنان در خود توانی برای به‌دست‌آوردن آن روغن ندارند، و زندگی‌شان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا طلبیده شود، اگر همچون موسی التماس کنیم: "جلال خود را به من بنما"، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. از طریق لوله‌های زرین، روغن طلایی به ما منتقل خواهد شد. "نه به قوت و نه به قدرت، بلکه به روح من، یهوه صباوت می‌گوید." با دریافت پرتوهای درخشان آفتاب عدالت، فرزندان خدا چون چراغ‌ها در جهان می‌درخشند.» Review and Herald, July 20, 1897.

وہ پیغام جسے احاز رد کر رہا تھا، نصف اللیل کی پکار کا پیغام تھا، جو مسیح کی دوسری آمد پر منتج ہوتا، اگر لاؤدیقیہ کی قیادت اس پیغام کو، جو 1856 میں ان کی طرف "بھیجا" گیا تھا، قبول کر لیتی۔ پھر وہ پیغام بڑھ کر ایک بلند فریاد بن جاتا، اور خدا کے لوگ کام کو مکمل کر کے سلامتی میں ہوتے۔ مگر اس کے بجائے، وہ پھر اسی قے کی طرف لوٹ گئے جس سے انہیں چھڑایا گیا تھا۔

اشعیا و آحاز چنین بازنمایی شده‌اند که در فرایند تطہیر مزرعہ گزر قرار دارند؛ فرایندی که به‌وسیله رسول عہد در ملاکی باب سہ به انجام می‌رسد. آنان به‌گونه‌ای نمادین در جایی قرار داده شده‌اند که در رؤیای زکریا «روغن» (یعنی یک پیام) در حال ریخته شدن است، و در ایام آخر، پیام اشعیا به آحاز، پیام اسلام وای سوم است؛ این همان پیام تاریخ پنہان ہفت رعد است؛ این همان پیام آن است کہ ہشتمی از آن ہفت است؛ این همان پیام تاکستان است؛ این همان پیام «حقیقت» است؛ کہ ہمگی از عناصر مکاشفہ عیسی مسیح‌اند، مکاشفہ‌ای کہ در ایام آخر، آن تطہیری را پدید می‌آورد کہ مزرعہ گزر نمایانگر آن است.

یہ "سات اوقات" ہی کا پیغام تھا اورے بھی، جو ملر کے بنیادی پتھر سے بدل کر کونے کے سرے کا پتھر بن جاتا ہے، کیونکہ وہ پہلی سچائی تھی، اور اس لیے لازم ہے کہ وہی آخری سچائی بھی ہو۔ 1863 اس تطہیری عمل کے اختتام کی علامت تھا جو 22 اکتوبر 1844 کو تیسرے فرشتے کی آمد کے ساتھ شروع ہوا، اور بالآخر 1856 میں "سات اوقات" کی روشنی تک پہنچا۔ 1844 میں دو ہزار تین سو برسوں کی روشنی نے ایک ایسی ابتدا کو نشان زد کیا جو اس انتہا تک لے گئی جسے دو ہزار پانچ سو بیس برسوں نے نشان زد کیا۔ لیکن لاودیکیائی نابینائی، ابتدا اور انتہا دونوں میں، ان دونوں رویاؤں کے باہمی تعلق کو دیکھنے سے انکار کرتی ہے۔ 1863 ایک ایسے تطہیری عمل کے اختتام کی نمائندگی کرتا ہے جو ہمیشہ اس وقت وقوع پذیر ہوتا ہے جب کوئی پیغام آن مہر کیا جاتا ہے، اور تیسرے فرشتے کا پیغام 22 اکتوبر 1844 کو آن مہر کیا گیا تھا۔

نور فرشتہ سوم کہ در سال 1844 گشوده شد، نوری یگانه و منفرد نبود؛ بلکه همان چیزی بود کہ خواہر وایت از آن به عنوان «نور پیش‌روندہ فرشتہ سوم» یاد می‌کند. نور پیش‌روندہ فرشتہ سوم در 1844 آغاز شد و تا بستہ شدن زمان آزمایش همچنان به پیش می‌رود؛ اما هنگامی کہ نخست پدیدار شد و نیز هنگامی کہ سرانجام به پایان می‌رسد، برای فرشتہ سوم دورہ‌ای مشخص از آزمون وجود دارد. این دورہ‌ای آزمون، در آغاز و انجام، همچنین نمایانگر فرایند آزمایشی‌ای هستند کہ دانیال آن را «افزایش معرفت» توصیف می‌کند، کہ آن نیز همان نور پیش‌روندہ فرشتہ سوم است.

روند آزمون در آغاز، در سال ۱۸۴۴ شروع شد، و نور فزاینده در معرفت افزایش یافت تا آنکہ در سال ۱۸۵۶ به پایان خود رسید. نور آغازین و نور پایانی دورہ آزمون، همان دو رؤیای دانیال باب ہشتم، آیات سیزده و چہارده است کہ شالودہ و ستون مرکزی ادونتیسیم را نمایندگی می‌کنند.

دوران آزمائش فرشتہ اول در 11 اوت 1840 آغاز شد و با نخستین ناامیدی در 19 آوریل 1844 به پایان رسید. سپس دوران آزمائش فرشتہ دوم آغاز گردید و تا 22 اکتبر 1844 ادامه یافت. در آن

هنگام فرشتهٔ سوم پدیدار شد و دوران آزمائش فرشتهٔ سوم تا زمانی ادامه یافت که آدونتیسم لائودیکه‌ای در سال 1863 نور فرشتهٔ سوم را رد کرد.

دورهٔ آزمائش فرشتهٔ سوم کے لیے میلرائیٹ ایڈونٹ ازم کا ایک آغاز تھا اور ایک اختتام، اور آغاز اور اختتام لازماً ایک ہی چیز کی نمائندگی کرتے ہیں، کیونکہ یسوع ہمیشہ کسی امر کے انجام کو اسی امر کے آغاز کے ذریعے واضح کرتا ہے۔ فرشتهٔ سوم کی بڑھتی ہوئی روشنی کا افتتاح، دانی ایل باب آٹھ کی آیت چودہ میں مذکور ظہور کی روشنی تھا (یعنی "mareh" رویا)۔ فرشتهٔ سوم کی بڑھتی ہوئی روشنی کا اختتام، آیت تیرہ میں مذکور مقدس اور لشکر کے پامال کیے جانے کی روشنی تھا (یعنی "chazon" رویا)۔ یہ دونوں رویائیں نبوتی طور پر باہم پیوستہ ہیں۔

پس در روز دهم ماه هفتم، شیپور یوبیل را به صدا درآور؛ در روز كفاره، شیپور را در سراسر سرزمین خود به صدا درآورد. لاویان 25:9.

شیپوری که می‌بایست در روز كفاره، که برابر با ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود، نواخته شود، شیپور یوبیل بود، که نمایانگر چرخهٔ مقدس هفت‌ساله است و در مجموع به دو هزار و پانصد و بیست روز می‌رسد. خداوند قصد داشت اسرائیل باستان را بی‌درنگ به سرزمین موعود رهبری کند، اما عصیان ایشان مانع وقوع آن شد. خداوند قصد داشت اسرائیل جدید را نیز بی‌درنگ به سرزمین موعود رهبری کند، اما عصیان مانع وقوع آن شد. اگر اسرائیل جدید نسبت به نور فزایندهٔ فرشتهٔ سوم مطیع می‌بود، جهان را هشدار می‌دادند و خداوند بیش از یکصد سال پیش بازگشته بود.

برای آنکه آن رخ دهد، لازم بود خداوند در میان میلی‌ها دگرگونی‌ای پدید آورد، و آن دگرگونی در کتب مقدس به‌عنوان سر خدا شناخته شده است. اگر آدونتیسم از نور فزایندهٔ فرشتهٔ سوم پیروی کرده بود، آنگاه شیپور یوبیل تا به پایان، یکسره به صدا درمی‌آمد، زیرا در روزهایی که شیپور هفتم نواخته می‌شود، سر خدا به انجام می‌رسد. در مکاشفه ده، آن شیپور، که همان شیپور یوبیل و نیز شیپور وای سوم است، در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز به نواخته شدن کرد.

و آن فرشته‌ای را که دیدم بر دریا و بر زمین ایستاده بود، دست خود را به سوی آسمان برافراشت، و به آن که تا ابدالآباد زنده است، و آسمان و آنچه را در آن است، و زمین و آنچه را در آن است، و دریا و آنچه را در آن است آفرید، سوگند یاد کرد که دیگر زمانی نخواهد بود؛ بلکه در ایام آواز فرشته هفتم، هنگامی که آغاز به نواختن کند، سر خدا به انجام خواهد رسید، چنان‌که به بندگان خود، انبیا، اعلام فرموده است. مکاشفه ۱۰:۷-۱۱

فرآیند تطهیر آزمون‌کننده‌ای که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد، و همان نور پیش‌روندهٔ فرشتهٔ سوم بود، با نور دانیال باب هشت، آیه چهارده آغاز گردید و با نور دانیال باب هشت، آیه سیزده پایان یافت. این فرآیند با پاسخ آیه چهارده آغاز شد و با پرسش آیه سیزده به پایان رسید.

آن نوزده سال با رسیدن پیام هشداردهندهٔ اشعیا به آحاز، پادشاه یهودای تحت‌اللفظی، در خلال جنگ داخلی میان شمال و جنوب، به‌طور نمادین نمایش داده شد. آن نوزده سال با به اسارت بردن اسرائیل به دست پادشاه شمال به پایان رسید. آن نوزده سال، از رسیدن فرشتهٔ سوم در سال 1844 تا شورش سال 1863 را به‌طور نمادین مجسم می‌ساخت. نور فزایندهٔ فرشتهٔ سوم به‌وسیلهٔ پیام اشعیا نمایانده شده بود.

رد آن نور پیش‌رونده به جنبش میلی‌پایان بخشید، و در آن دورهٔ آزمون، جنبش میلی‌فیلادلفیایی به کلیسای لائودیکه انتقال یافت. آن نوزده سالی که در 742 پیش از میلاد آغاز شد، و آن نوزده سالی که در 1844 آغاز گردید، هر دو نمایانگر فرآیند آزمون و تطهیر در ایام آخر است؛ یعنی آخرین دورهٔ آزمون نور پیش‌روندهٔ فرشتهٔ سوم.

در آن فرایند نهایی آزمون، سرّ خدا به کمال خواهد رسید. آن یکصد و چهل و چهار هزار تن، کسانی هستند که انتظار می‌کشند، باز می‌گردند و مهر می‌شوند.

شهادت را ببند، و شریعت را در میان شاگردانم مُهر کن. و من برای خداوند انتظار خواهم کشید، که روی خویش را از خاندان یعقوب پنهان می‌دارد، و به او چشم خواهم دوخت. اینک من و فرزندان که خداوند به من عطا فرموده است، از جانب یهوه صباوت، که در کوه صهیون ساکن است، در اسرائیل برای آیات و شگفتی‌ها هستیم. اشعیا ۸: ۱۶-۱۸

دورهٔ آزمایشی پایانی نور فزایندهٔ فرشتهٔ سوم در ایام آخر، از همان‌جا آغاز شد که دورهٔ آزمایشی آغازین شروع شده بود. این دوره زمانی آغاز شد که عیسی دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و اعلام نمود «که دیگر زمانی نخواهد بود.» این اعلان در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ واقع شد، هنگامی که شیپور هفتم، یوبیل را در پایان دورهٔ مقدس هفتگانه اعلام کرد. دورهٔ هفت‌ساله که هفت بار تکرار شد، به‌طور تحت‌اللفظی چهل‌ونه سال، یا دو هزار و پانصد و بیست روز بود.

۱۹۸۹ «زمان پایان» را در حرکت صد و چهل و چهار هزار نفر رقم می‌زند، و ۱۹۸۹ همچنین پایان یک صد و بیست و شش سالی را مشخص می‌سازد که با شورش ۱۸۶۳ آغاز شد. حرکت صد و چهل و چهار هزار نفر در «زمان پایان» آغاز شد، با نمادی از «هفت زمان»، زیرا یک صد و بیست و شش، عشر هزار و دویست و شصت است، و آن نیز به نوبهٔ خود نصف دو هزار و پانصد و بیست است.

عیسی همواره پایان یک چیز را با آغاز چیزی دیگر نشان می‌دهد، و آغاز حرکت صد و چهل و چهار هزار با نمادی از «هفت زمان» مشخص شد، همان‌گونه که در پایان این حرکت نیز چنین است. ایام نواخته شدن فرشتهٔ هفتم، هنگامی که سرّ خدا به انجام می‌رسد، در پایان «سه روز و نیم» مکاشفه باب یازده آغاز شد. شیپور هفتم، که همچنین وای سوم است، در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نغمه دوم خود را نواخت، و اکنون سرّ خدا در حال به انجام رسیدن است، چنان‌که «به بندگان خود، انبیا، اعلام کرده است.» پایان این حرکت با نمادی از «هفت زمان» مشخص می‌شود، چنان‌که آغاز همین حرکت نیز چنین بود.

در زمان پایان در سال ۱۷۹۸، «هفت زمان» غضب خدا بر ضد پادشاهی شمالی به پایان رسید؛ و در پایان جنبش میلری‌ها، ردّ حقایق مرتبط با «هفت زمان» نشان شورش سال ۱۸۶۳ بود. عیسی همواره پایان یک چیز را با آغاز چیزی دیگر به تصویر می‌کشد، و جنبش فرشته اول (میلری‌ها)، جنبش فرشته سوم (صد و چهل و چهار هزار) را به تصویر می‌کشد. هر دو جنبش با «هفت زمان» آغاز می‌شوند و با همان به پایان می‌رسند. اینها چیزهایی نیست که بتوان از خود ساخت.

ما این مطالعه را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.

«آنان که در مناصب مسئولیت قرار دارند، نباید به اصول خودکامرانۀ دنیاپرستانه و اسراف‌آمیز جهان گرایش یابند، زیرا توان آن را ندارند؛ و اگر هم می‌داشتند، اصول مسیح‌گونه آن را اجازت نمی‌داد. تعلیم‌های بسیار باید داده شود. «او معرفت را به که خواهد آموخت؟ و فهم تعلیم را به که خواهد فهمانید؟ به آنان که از شیر بازگرفته شده‌اند، و از پستان‌ها جدا گردیده‌اند. زیرا حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ قاعده بر قاعده، قاعده بر قاعده؛ اینجا اندکی، و آنجا اندکی.» بدین‌سان، کلام خداوند باید با شکیبایی به فرزندان عرضه شود و به‌وسیله والدینی که به کلام خدا ایمان دارند، همواره پیش روی ایشان نگاه داشته شود. «زیرا با زبان لکنت و به زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. آنان را گفت، این است آرامشی که بدان می‌توانید خسته را آرامش دهید؛ و این است تازگی و طراوت؛ اما نخواستند بشنوند. پس کلام خداوند برای ایشان چنین شد: حکم بر حکم، حکم بر حکم؛ قاعده بر قاعده، قاعده بر قاعده؛ اینجا اندکی، و آنجا اندکی؛ تا بروند و به عقب افتند، و شکسته شوند، و در دام گرفتار آیند، و اسیر گردند.» چرا؟—زیرا به کلام خداوند که نزد ایشان آمده بود، اعتنا نکردند.»

این بدان معناست که کسانی که تعلیم نیافته‌اند، اما حکمت خود را عزیز داشته‌اند و برگزیده‌اند که مطابق اندیشه‌های خویش عمل کنند. خداوند این آزمون را به ایشان می‌دهد تا یا جایگاه خود را برای پیروی از مشورت او اختیار کنند، یا امتناع ورزند و مطابق افکار خود رفتار نمایند، و آنگاه خداوند ایشان را به نتیجه حتمی آن واگذارد. در همه راه‌های ما، در تمامی خدمت ما به خدا، او با ما سخن می‌گوید: «ای پسر، دل خود را به من بده.» آنچه خدا می‌طلبد، روحیه‌ای مطیع و تعلیم‌پذیر است. آنچه به دعا برتری و فضیلت می‌بخشد، این واقعیت است که از دلی محبت‌آمیز و فرمانبردار برمی‌خیزد.

خدا از قوم خویش چیزهای معینی را می‌طلبد؛ اگر ایشان بگویند: «من دلم را نخواهم سپرد تا این کار را به‌جا آورم»، خداوند آنان را در داوری به‌گمان خود حکیمانه‌شان، اما بی‌حکمت آسمانی، وا می‌گذارد تا این نوشته [اشعیا ۲۸:۱۳] تحقق یابد. شما نباید بگویید: «من هدایت خداوند را تا نقطه‌ای که با داوری من موافق است پیروی خواهم کرد»، و سپس به اندیشه‌های خود سخت بچسبید و از آن‌که بر وفق شباهت خداوند شکل داده شوید، سر باز زنید. بگذارید این پرسش مطرح شود: «آیا این اراده خداوند است؟» نه این‌که: «آیا این نظر یا داوری — است؟» شهادت‌ها برای خادمان، ۴۱۹.